

## مدیریت شهری در قرن هفتم هجری

بر اساس کتاب  
مَعَالِمُ الْقُرْبَةِ فِي أَحْكَامِ الْحِسْبَةِ ابْنِ أَخُوهُ

علی اکبر عباسی

استادیار گروه تاریخ  
دانشگاه اصفهان  
کارشناسی ارشد تاریخ اسلام  
دانشگاه خوارزمی تهران  
arman.forouhi@yahoo.com aa\_abbasi\_z@yahoo.com

تواریخ اقتصادی و اجتماعی، در برابر تاریخ‌های سیاسی و نظامی، بخش کوچکی از روند تاریخ‌نگاری را شامل می‌شوند. البته در دهه‌های معاصر و به‌خصوص بعد از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه و طرح شعارهای برادری برابری و تقسیم شادی در میان همه مردم، به حوزه‌های تاریخ اجتماعی و اقتصادی و پرداختن به آنچه مربوط به توفه مردم می‌شود، توجه فراوان شده و در این باب تألیفات زیادی در غرب و کم و بیش تألیفاتی در کشورهای اسلامی منتشر شده است. در دوران شکوفایی تاریخ‌نگاری اسلامی نیز با توجه به تنوع و گستردگی موضوعی که دارد، به جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز پرداخته شده است. در تاریخ‌نگاری اسلامی، از منظر اقتصادی، صرف‌نظر از فارابی و تا حد کمتری ابن‌سینا، کسانی چون مسکویه، خواجه نصیرالدین طوسی و ابن‌خلدون نگاه ویژه‌ای به اقتصاد داشته‌اند. ابن‌خلدون در دیباچه خویش بر العبر نوعی نظریه‌پردازی اقتصادی را در وجه ساختاری معرفی می‌کند (رضوی ۱۳۸۸: ۱۱۳). البته با وجود تلاش‌های ابن‌خلدون، به علت فراهم نبودن شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دنیای اسلام مبانی مورد نظر او نتوانست در تحلیل گزارش‌های تاریخی به‌کار بیاید (برای اطلاع بیشتر ر.ک: به طباطبایی ۱۳۷۹: ۱۴۵-۱۵۴).

کتاب مَعَالِمُ الْقُرْبَةِ فِي أَحْكَامِ الْحِسْبَةِ را می‌توان اثری تلفیقی در حوزه تاریخ اقتصادی و تاریخ اجتماعی قلمداد

کرد. ابن‌اخوه این دو حوزه تاریخ‌نگاری را به ظرافت در کتاب خود، در کنار هم قرار داده است. معرفی مشاغل گوناگون، ترسیم سیمای بازار، نحوه درآمدزایی مشاغل از جنبه تاریخ‌نگاری اقتصادی و همچنین پرداختن به روابط اجتماعی خریدار و فروشنده، توجه به نوع تغذیه و بهداشت مردم عادی و در مجموع آنچه تحت عنوان نگارش تاریخ فرودستان و نقش اجتماعی آنان (هج ۱۳۹۰: ۱۶۲) بیان می‌شود، از جنبه تاریخ‌نگاری اجتماعی در این کتاب تبلور پیدا کرده است. همچنین این کتاب نمایانگر نیاز رو به رشد اندیشمندان اجتماعی به قاعده‌مند کردن فعالیت‌های تجاری از دیدگاه حمایت از مصالح عامه می‌باشد (صدیقی ۱۳۸۵: ۹۵). بنابراین در این مقاله برآنیم تا مباحث غیر متعارف اقتصادی و نهاد حسبه را - با توجه به کتاب معالم القرية - که کمتر در تواریخ عمومی پیدا می‌شود مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

### نگاهی گذرا به شکل‌گیری نهاد حسبه در تمدن اسلامی

حسبه از ریشه «حَسَبَ» به معنی شمردن و حساب است (دهخدا ۱۳۷۳: ۴۱۷/۶)؛ همچنین کاربردهای زیادی از جمله انجام دادن کاری برای رضای خدا، نیکویی در تدبیر و اداره امور، خبرجویی و تجسس برای آن ذکر شده است (ابن منظور، لسان العرب: ۱۶۴). خاستگاه و سرمنشأ نهاد حسبه را باید در عصر پیامبر (ص) و خلفای راشدین دانست که شخصاً به نظارت و بازرسی بازارها اقدام می‌کردند (کتانی ۱۳۸۴: ۱۴۱). البته در این دوران بیشتر رفتارهایی که بعدها به عنوان حسبت شناخته می‌شده، صورت می‌گرفته است و شکل یک سازمان حکومتی را نداشته است. نهضت حیات اقتصادی در قرون میانه اسلامی، وجود تقلب‌ها و خیانت‌هایی که برخی از افراد به آن دست می‌زدند و همچنین تمایل حکومت به مبارزه با این اعمال ناپسندیده، از عوامل ایجاد سازمان حسبه بود (شیخلی ۱۳۶۲: ۱۱۷). در اواخر دوره امویان، نشانه‌های اندکی از کاربرد واژه حسبه به معنی نظارت بر بازارها وجود دارد، اما آغاز حسبه به عنوان یک نظام اداری نوپا به آغاز حکومت عباسیان و به احتمال



بحری<sup>۱</sup> متقارن بوده است. در دوران سلطان بیبرس (۶۵۸-۶۷۶ ق) مهم‌ترین دگرگونی در نظام قضایی دولت ممالیک رخ داد که براساس آن، برای هر مذهبی از مذاهب چهارگانه اهل سنت، قاضی القضاتی تعیین شد، اما ریاست قضایی بر این مذاهب در دست شافعیان باقی ماند (شبارو ۱۳۸۳: ۱۴۸). این امر تأثیر بسزایی در قدرت‌گیری شافعیان در منصب قضاوت و نهاد حسبه داشت.

تنها اثر باقیمانده از ابن اخوه، کتابی در موضوع حسبت با عنوان *معالم القربة فی احکام الحسبة* می‌باشد که در سال ۱۹۳۸ م با تلاش روبن لوی بر اساس چهار نسخه خطی به همراه ترجمه انگلیسی آن در دانشگاه کمبریج به چاپ رسیده است. نسخه عربی این کتاب به تحقیق محمد محمود شعبان و صدیق احمد عیسی مطیعی در ۱۴۰۸ ق در قاهره، و در ایران نیز برای اولین بار به زبان فارسی به وسیله بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۷ ش به طبع رسیده است.

اگرچه کتاب *معالم القربة* در چند باب آغازین، به‌خصوص باب اول، با بخش مربوط به حسبت از کتاب احکام السلطانیة ماوردی قرابت ملاحظه‌ای دارد، باید در نظر داشت که آثار ماوردی و قاضی ابویعلی نظری بوده و با اثر ابن اخوه تفاوت اساسی دارد (پاکتچی، همانجا). کتاب *معالم القربة* را می‌توان ادامه و تفضیل نهیته‌الرتبه فی طلب الحسبه از عبدالرحمن شیزری شامی دانست؛ با این تفاوت که از دیدگاه یک مصری نوشته شده است (کاهن ۱۳۵۵: ۴۱۱/۳).

جعفر شعار (۱۳۰۴-۱۳۸۰ ش) دوره‌های تحصیلات مقدماتی و سطح عالی را تا مقطع دکتری زبان و ادبیات فارسی ادامه داد و پس از آن به مدت هجده سال و تا مرتبه استادی در دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم) به تدریس پرداخت (شعار و همکاران ۱۳۹۱: ۲۱). از دکتر جعفر شعار، بیش از سی تألیف، ترجمه، تصحیح متون تاریخی و ادبی به یادگار مانده است. از جمله این آثار می‌توان به تصحیح و شرح ترجمه تاریخ یمینی (رساله دکتری)، ترجمه

۱. سلاطین مملوک در طی دوران حکمرانی خود (۹۲۳-۶۴۸ ق) به دو گروه متمایز سلطان‌های بحری و سلطان‌های برجی تقسیم می‌شدند. بحریان از نژاد ترکان قبیچاق که نگهبانان و پاسداران ایوبیان بودند و اردوگاه آن‌ها در جزیره روضه در رود (بحر) نیل بود و برحیان از نژاد چرکس‌های نواحی مسیحی نشین شمال قفقاز، کسانی بودند که سلطان قلاوون به عنوان پاسداران خویش، آن‌ها را در ارگ قاهره (برج) جای داده بود (باسورث ۱۳۸۱: ۱۶۱).

قوی عصر منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸ ق) باز می‌گردد (بادکوبه ۱۳۸۰: ۱۳۱). در این دوره نهاد حسبه، مهم‌ترین دستگاه رسمی بوده است که با تشکیلات اصناف رابطه مستقیم داشته و محتسب از سوی دولت، مأموریتی دینی، اجتماعی و اقتصادی در قبال مردم عهده‌دار بود (شیخلی ۱۳۶۲: ۱۱۸).

نقش نهاد حسبه در تشکیلات اداری جوامع اسلامی نقش نظارتی و نه اجرایی تعریف شده است و تنها محتسب وظیفه نظارت بر اجرای قوانین اسلامی را داشته و مجازات خطاکاران بر عهده نهادهای کیفری و قضایی دیگری مانند مظالم، شرطه، قضا و نقابت بوده است. در سایر دولت‌های اسلامی نیز، نهاد حسبه و محتسب وجود داشته است. محتسب در دولت موحدون (۵۲۴-۶۶۸ ق) به مسئول بازار (عمر موسی ۱۳۸۱: ۱۸۸)، در دولت اغلییان (۸۰۰-۹۰۹ ق) به صاحب السوق و صاحب احکام (عودی ۱۳۸۵: ۲۲۱) و در آندلس به بازاربان (حسن ۱۳۸۸: ۹۰۱) معروف بوده است.

## معرفی نویسنده و مصحح

ابن اخوه یا ابن اخوه، محمدبن محمدبن احمدبن ابی زید قرشی (۶۴۸-۷۲۹ ق/۱۲۵۰-۱۳۲۹ م) از محدثان و فقیهان برجسته بود. ابن اخوه، در مقدمه کتاب خود را در فروع پیرو فقه شافعی و در اصول اشعری ذکر کرده است (ابن اخوه، معالم، ۱۳۶۷، ص ۴۳). محل تولد این مورخ به طور دقیق مشخص نیست؛ ولی با توجه به توضیحات دقیق و مفصلی که در مورد اختلاف کمیت واحد رطل (پیمان) در شهرهای مختلف مصر می‌آورد، این احتمال شکل می‌گیرد که وی مصری بوده است (برای اطلاع بیشتر از واحد پیمان در شهرهای مختلف مصر، ر. ک: همان، ص ۹۸). همچنین عدم وجود اطلاعات مشابه درباره سایر کشورهای اسلامی، احتمال مصری بودن وی را تقویت می‌کند. ابن اخوه، کتاب معروف صحیح مسلم را از رشیدالدین (یحیی بن علی) عطار و ابو مؤثر استماع کرده است با توجه به سال تولد ابن اخوه و وفات رشیدالدین عطار در ۶۶۲ ق، وی پیش از چهارده سالگی به تحصیل حدیث پرداخته است (پاکتچی ۱۳۶۸: ۷۱۵).

دوران زندگی ابن اخوه با حیات سیاسی دولت ممالیک



## شرح کتاب

کتاب شامل یک مقدمه و هفتاد باب می‌باشد و ابن اخوه در همان آغاز نوشتار در مقدمه، با این سخن در پی متمایز ساختن حرفه خود از سایر مناصب است:

ستایش خدای راست که جانداران را بیافرید... و روزی و اجل مردمان را قسمت کرد و هر کدام را منزلتی و رتبه‌ای داد و منصب قضا و حسبت را از میان مناصب متمایز ساخت. او را می‌ستایم تا ما را از اهل قربت [اشاره به نام کتاب] سازد و گواهی می‌دهم خدایی جز او نیست (ابن اخوه، معالم، ۱۴۰۸، مقدمه).

ابن اخوه هدف از نوشتن کتاب را گردآوری سخنان دانشمندانی که در مورد محتسب و جایگاه آن در جامعه اسلامی سخن به میان آورده‌اند، ذکر می‌کند (همان، ص ۴۶). وی همچنین در ادامه مقدمه شرح می‌دهد که مطالعه کتاب را با داستان آمیخته است تا خردمندان و دانشمندان به مطالعه آن رغبت کنند (همانجا). وی در باب نخست کتاب، شرایط حسبت و وظایف محتسب و وجوه اشتراک و افتراق قضای و محتسب را شرح می‌دهد. ابن اخوه، آراستگی ظاهری، رعایت فرایض و مستحبات شرعی، پاکدامنی و برخورد مناسب با مردم را از شرایط برگزیده شدن به عنوان محتسب ذکر می‌کند (همان، ۱۳۶۷، ص ۵۳-۵۵). در باب دوم، نویسنده جایگاه امر به معروف و نهی از منکر و انواع آن را در میان احکام دین شرح و احادیث و روایات متعددی را در این زمینه از پیامبر (ص) و خلفای راشدین ذکر می‌کند. همچنین عمل نکردن به این دو فریضه را موجب شیوع گمراهی و تباهی، ویرانی شهرها و هلاکت بندگان می‌داند (همان، ص ۵۶). باب سوم و چهارم کتاب و پنجم کتاب، وظایف محتسب نسبت به ابزارهای حرام و شراب و همچنین نسبت به اهل ذمه و اولیای مردگان را شرح می‌دهد. ابن اخوه در باب «در معاملات ناروا» به نحوه برقراری معامله و قرارداد صحیح بین افراد می‌پردازد و معامله با بچه و بنده و نابینا و دیوانه را صحیح نمی‌داند؛ همچنین مقابله با محتکر، رباخوار و فروشنده‌ای را که به ناصحیح به تعریف از کالا می‌پردازد، از وظایف محتسب شمرده است. حقوق متقابل میان شهروندان و وظایف

سفرنامه ابن حوقل و تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء از حمزه اصفهانی، تصحیح تاریخ بناکتی و سیاستنامه خواجه نظام الملک طوسی اشاره کرد (برای اطلاع کامل تر از آثار او ر.ک: همان، ۴۱۸-۴۳۰).

شعار همانند سایر آثار خود، ترجمه کتاب معالم القریه را با نهایت دقت انجام داده است. ترجمه تحت اللفظی عنوان کتاب «نشانه‌های قربت درباره احکام حسبه» می‌باشد که مترجم کتاب را با عنوان «آئین شهرداری در قرن هفتم هجری» ترجمه کرده است. با توجه به محتوای کتاب عنوان انتخاب شده مناسب به نظر می‌رسد. شیوه کار وی بدین صورت بوده است که کلمات دشوار عربی موجود در هر باب را در پایان همان باب (قسمت یادداشت‌ها) با کمک فرهنگ‌های لغات فارسی و عربی شرح و توضیح داده است که این امر در درک صحیح متن و و فراگیری آن بسیار مؤثر می‌باشد. وی در قسمت یادداشت‌ها، آیات قرآن مجید و احادیث پیامبر (ص) را که در متن آمده است را به زبان عربی نگارش کرده است و همچنین اصطلاحات فقهی را نیز با کتاب نهیة الرتبه شیزری مطابقت داده است (برای نمونه، ر.ک: ابن اخوه، معالم، ۱۳۶۷، ص ۱۰۰، ۱۱۶، ۱۱۹). آنکه ابن اخوه مطالب درون باب‌های کتاب را با عنوان «فصل» از یکدیگر جدا کرده، ولیکن دکتر شعاع برای سهولت استفاده از مطالب، براساس محتوا عنوان متناسب برای هر یک از فصول در ذیل ابواب مشخص کرده است. از نقاط قوت ترجمه شعاع، افزودن اطلاعاتی در باب جغرافیای تاریخی شهرهای ذکر شده در متن و همچنین آوردن ابیات متناسب با موضوع می‌باشد. ابیات متعددی از حافظ، خاقانی و سوزنی در این قسمت وجود دارد که یکنواختی متن را از بین برده و بر جذابیت کتاب افزوده است. به طور نمونه ابن اخوه در باب پنجاه و یکم «قاضیان و گواهان» از لباس فقیه سخن گفته و اینکه کلوته (کلاه گوشه‌دار) نباید بر سر بگذارند و شعاع در قسمت یادداشت‌ها بیتی از سوزنی در این ارتباط آورده است:

صوفی شدی زخوف سیه شد لباس تو  
چون صوفیان کلوته به سر بر عقیق رنگ  
(نمونه دیگر، ر.ک: همان، ص ۲۳۵)



می‌کند و وظایف محتسب نسبت به مشاغل دیگر مانند قاضیان، امیران، کشتی‌بانان، کاه‌فروشان، و نمدمالان شرح داده می‌شود. با توجه به باب پنجاهم که موضوع آن با ابواب یازدهم تا چهل و نهم متفاوت است، به نظر می‌رسد کتاب در دو مرحله نگارش شده باشد.

در باب پنجاه و سوم، با عنوان «وظایف محتسب» بار دیگر ابن اخوه، نظارت دقیق بر بازار را تأکید می‌کند. ابن اخوه به شکل سابق تا باب هفتم، به تفضیل به موارد سودجویی و تقلب فروشندگان خاطی و نحوه برخورد محتسب با آنها اشاره می‌کند. در آخرین باب کتاب «در شرح باقی امور حسبت»، نویسنده پس از اطلاع در مورد سقایان و برنج‌فروشان، در یکی از آخرین جملات کتاب از محتسب می‌خواهد که «لازم است در موارد شبهه‌آلود از دانش خود یاری جویی، زیرا خاموشی در برابر بدعت، خشنودی به آن است و باز نداشتن از آن همانند فرمان دادن به ارتکاب بدعت است» (همان، ۱۴۰۷، ص ۳۵۱). ابن اخوه، همچنین با آنکه وظایف محتسب نسبت به بیش از هشتاد شغل را ذکر می‌کند، ولی این‌گونه کتاب را پایان می‌برد:

اما شرح این سخن به درازا می‌کشد، زیرا کارهای ناروا قابل شمارش نیست و به همین اندازه بسنده می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم که ما را یاری و توفیق دهد تا از همه این امور در امان باشیم (همانجا).

### ارزیابی کتاب

از محتوای کتاب چنین بر می‌آید که وی محتسبی سختگیر و در عین حال باتجربه بوده است که علاوه بر آگاهی جوانب نظری و عملی فقه به ترفندها و تقلب‌های ممکن اشراف کامل داشته است. البته شیوه‌های سودجویی در آن زمان بیشتر بوده یا تصور مؤلف این چنین بوده؛ همان‌گونه که خود وی شرح می‌دهد:

هرگاه بیم آن نبود که بی‌دینان و دونان انواع تقلبات را فرا گیرند و در طعام تقلب‌ها کنند، در باب تقلب و تدلس آن بیش از این شرح می‌دادم (همان، ۱۳۶۸، ص ۱۲۸).

کتاب بدون نظم و ترتیب خاصی نوشته شده است. ابواب کتاب را از لحاظ محتوا به دو بخش، قواعد و معیارهای

محتسب نسبت به آنها در شهر از جمله مطالبی است که نویسنده در باب هشتم «در حسبت بر کارهای ناشایسته بازاریان» اشاره می‌کند. به محتسب گوشزد می‌کند که باید در نهایت دقت به محل‌های عبور و مرور مردم حساس باشد و کسی نباید در مسیرهای تنگ، اسب خود را ببندد و زباله بیندازد (همان، ص ۹۴).

در شناخت محل زندگی نویسنده کتاب، باب نهم و دهم کتاب «در باب اندازه، قنطار، رطل و مثقال و درهم» و «در شناخت ترازو و پیمان» از ابواب مهم به شمار می‌رود. در این فصل ابن اخوه از میزان تقریبی قنطار<sup>۱</sup>، مثقال، درهم و شناختن ترازو و پیمان در شهرهای مصر سخن گفته است و همچنین میزان تقریبی رطل اسکندریه، فیوم و بلیس را بیان می‌کند. در ادامه ابن اخوه، موارد کم‌فروشی را که ممکن بود در ترازو و پیمان صورت بگیرد شرح می‌دهد و از محتسب می‌خواهد که «هرگاه کسی خیانت کرد، او را در ملاعام تعزیر کند تا دیگران بدان عبرت گیرند» (همان، ۱۴۰۸، ص ۱۴۷).

ابن اخوه در باب‌های یازدهم تا پنجاهم وظایف محتسب را نسبت به مشاغل و حرف مختلف از جمله آسیابانان، طباخان، نانویان، عطاران، فروشندگان، و موذنان توضیح می‌دهد. نویسنده در متن این ابواب به ظرافت، توجه به استفاده از مواد غذایی سالم و تازه توسط تهیه‌کننده غذاهای گوناگون، حضور در محل تهیه غذا، کسب مهارت جهت تشخیص غذای بی‌کیفیت، آشنایی با ترفندهای افراد سودجو را برحسب نوع غذا شرح می‌دهد. در باب پنجاهم کتاب، در مورد حدود و تعزیرات، شیوه برخورد با افراد خاطی و نحوه مجازات آنان سخن می‌گوید و مراتب حسبت را این‌گونه شرح می‌دهد:

مراتب حسبت نخست نهی و دوم وعظ و سوم منع و بیم دادن است و عقوبت در برابر خطای گذشته و منع درباره عمل حاضر است و افراد مردم جز منع که از میان بردن کار نارواست، وظیفه‌ای ندارند و عقوبت و بیم دادن وظیفه کارداران است (همان، ۱۳۶۷، ص ۲۲۴).

بعد از باب پنجاهم، کتاب به شکل سابق ادامه پیدا کرد. ۱ قنطار حدود ۱۲۰۰ اوقیه است و اوقیه معادل هفت مثقال امروزی؛ متعارف در میان مردم و اطبا وزن ده درهم می‌باشد (دهخدا ۱۳۷۳: ۱۳۱۱/۳).





حسبت و وظایف محتسب دربارهٔ مشاغل متعدد، می‌توان تقسیم کرد.

شیوهٔ کار ابن‌اخوه در اثرش این‌گونه است که ابتدا موارد کم‌فروشی و تقلب را به شکل مثال و عینی توضیح می‌دهد و در ادامه ترفندهایی را که سبب تشخیص اجناس و اغذیهٔ بی‌کیفیت می‌شد، یادآوری و در نهایت این نکته را به محتسب گوشزد می‌کند که به‌دقت بر همهٔ امور نظارت و بازرسی داشته باشد. نویسنده نگارش کتاب را یک نوع وظیفه با توجه به شرایط زمان خود بیان می‌کند که در آن مردم همچون چارپایان به پیروی از هوای نفس و شهوات تن در داده‌اند و در ادامه، هر فردی را که به اصلاح جامعه پردازد محتسب می‌داند و «به سبب قصد تقرب به بالاترین درجات تقرب می‌رسد» (همان، ۱۴۰۸، ص ۶۱).

ابن‌اخوه به فراخور موضوع سعی کرده است از آیات قرآن، احادیث پیامبر (ص) و خلفای راشدین، و همچنین حکایات تاریخی از حوادث صدر اسلام و اشعار استفاده کند. در مسائل فقهی نیز نویسنده مطالبی از ماوردی و غزالی نقل کرده است. احترام به حقوق شهروندی از مسائلی است که در سرتاسر متن وجود دارد و نویسنده به زیبایی نکاتی را تبیین ساخته است که نمونه‌ای از این مسأله را این‌گونه بیان می‌دارد:

شارع مشترک المنفعه است و کسی حق ندارد منفعت آن را به خود اختصاص دهد جز به قدر احتیاج و نیز جایز نیست انداختن زباله‌ها به راه‌ها و آب پاشیدن راه که در آن بیم لغزیدن و افتادن باشد و... که همهٔ این کارها بر عموم مردم ناشایست است (همان، ۱۳۶۸، ص ۹۵).

ابن‌اخوه در باب‌های نهم و دهم کتاب، علاوه بر اطلاعات جامعی که در مورد تاریخچهٔ اوزان و پیمانانه در سرزمین خود می‌دهد، توضیحات مفصلی نیز در مورد شکل‌گیری ترازو و ذراع ارائه داده است (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: همان، ص ۹۷-۱۰۱). از نکات جالب توجه در کتاب معالم القریة این است که مؤلف در آن، بر حقوق حیوانات و عدم آسیب رساندن بر آن‌ها تأکید می‌کند و توجه به نکات بهداشتی و پزشکی را متذکر می‌شود (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: همان، ص ۹۵، ۱۱۱، ۱۲۱). توجه به بهداشت در شهر نشان از آن دارد که امنیت،

آرامش و شهرنشینی در مرحله‌ای از رونق بوده است. نویسندگان همچنین از اطلاعات تاریخی صحیحی برخوردار بوده است؛ وی قاضیان برجستهٔ صدر اسلام و تاریخچهٔ ضرب سکه را در ابواب مرتبط بیان کرده است. ابن‌اخوه در باب‌های بیست و سوم و بیست و چهارم، از بیش از صد نوع شربت و حلوا نام می‌برد و انواع تقلبات و کم‌فروشی مرتبط با آن را ذکر می‌کند که این امر نشان از تسلط و تجربهٔ وی در باب این مسائل می‌باشد.

نویسنده از بی‌توجهی به برخی از علوم از جمله پزشکی در کتاب خود شکایت می‌کند و علت آن را این‌گونه بیان می‌دارد:

پزشکی واجب کفایی است و در این زمان کسی از مسلمانان به آن نمی‌پردازد جز اهل ذمه. کسی را نمی‌بینم که دانش پزشکی را فرا گیرد، اما در علم فقه به خصوص مسائلی اخلاقی و جدلی غور می‌کنند و شهر پر از فقهایی است که سرگرم فتوا هستند. سبب این غفلت جز این نتواند بود که علم طب مانند علم فقه وسیله به دست گرفتن قضا و فرمانروایی و صاحب مقام بودن و بر دیگران برتری جستن و غلبه بر رقیبان نیست. دریا که دانش دین برافزاید است! از خدا می‌خواهم که ما را از این غرور و گمراهی بازگرداند (همان، ۱۴۰۷، ص ۲۵۴).

مطالب برخی از ابواب کتاب با عنوانی که ابن‌اخوه بر آن باب گذاشته است، مطابقت نمی‌کند. نمونهٔ آن، باب پنجاه و یکم «قاضیان و گواهان» که در بخشی از آن از بازی شطرنج، آوازخوانی و نگهداری کبوتر سخن به میان آورده است. نویسنده در برخی از توضیحات، قضاوت و نتیجه‌گیری یک‌طرفه انجام داده است؛ نمونهٔ آن در باب چهل و هشتم «در حسبت واعضان»، باب چهل و نهم «در حسبت بر منجمان و نامه‌نگاران» و باب چهل و دوم «در حسبت بر گرمابه‌ها و بیان سود و زیان گرمابه» نگارش شده و در مورد واعضان اشاره دارد: «در روزگار ما واعظ جز برای انجام دادن مراسم مردگان یا عقد زناشویی مناسب نیست» (همان، ۱۴۰۷، ص ۲۷۱). و در مورد ستاره‌شناسی چنین بیان می‌کند: «علم ستاره‌شناسی براساسی نیست، بلکه دامی برای کسب روزی است» (همان، ص ۲۷۵). البته باید بین افراد اهل احکام نجوم و اهل علم نجوم تفاوت قائل شد. در اسلام



- پاکتچی، احمد، ۱۳۶۸، «ابن اخوه»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- حسن، ابراهیم حسن، ۱۳۸۸، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بدرقه جاویدان.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغتنامه، تهران: مؤسسه لغتنامه و دانشگاه تهران.
- رضوی، سید ابوالفضل، ۱۳۸۸، «درآمدی بر تاریخ‌نگاری اقتصادی»، دو فصلنامه پژوهش‌های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ ش ۵، پاییز - زمستان، ص ۹۳-۱۱۸.
- شبارو، عصام محمد، ۱۳۸۳، دولت مالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام، ترجمه شهلا بختیاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شعار، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۱، شناختنامه و مجموعه مقالات دکتر جعفر شعار، تهران: قطره.
- شیخلی، صباح ابراهیم سعید، ۱۳۶۲، اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم‌زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صدیقی، محمد نجات‌الله، ۱۳۸۵، «بررسی کوشش‌های اخیر پیرامون مطالعه تاریخ تفکر اقتصادی در اسلام»، عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان، به کوشش ابوالحسن محمد صادق و عیدیت غزالی، ترجمه احمد شعبانی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- طباطبایی، سید جواد، ۱۳۷۹، ابن خلدون و علوم اجتماعی و وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی، تهران: طرح نو.
- عباسی، علی اکبر، ۱۳۹۰، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: هزاره ققنوس.
- عمرموسی، عزالدین، ۱۳۸۱، دولت موحدون در غرب جهان اسلام: تشکیلات و سازمان‌ها، ترجمه صادق خورشیا، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عودی، ستار، ۱۳۸۵، تاریخ دولت اغلییان در افریقیه و صقلیه، تهران: امیرکبیر.
- کاهن، کلود، ۱۳۵۵، «ابن اخوه»، دانشنامه ایران و اسلام، ج ۳، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کتانی، عبدالحی، ۱۳۸۴، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- هج، جین، ۱۳۹۰، «تاریخ اجتماعی»، ترجمه حسن زندیه، فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، س ۱۲، ش ۱-۲، بهار - تابستان، ص ۱۶۱-۱۸۲.

از سوی بزرگان این دین بر علم نجوم و رصد ستارگان و سیارات تأکید شده است، ولی ارائه پیشگویی منجمان و آنچه احکام نجوم خوانده می‌شود، مذموم بوده و هست (عباسی ۱۳۹۰: ۸۰). همچنین در ارتباط با زمان به گرمابه رفتن، چنین اشاره می‌کند: «نزدیک غروب به گرمابه رفتن مکروه است، زیرا هنگام پراکنده شدن شیاطین است» (ابن اخوه، ۱۴۰۷، ص ۲۴۱). ابن اخوه نظر چندان مساعدی در مورد اهل ذمه ندارد و در مورد یهود و نصارا شرح می‌دهد که در گفتار و کردار تظاهر می‌کنند و «روزگار خوی شیطانی آنان را که به دست پادشاه وقت استوار شده، آشکار ساخته است» (همان، ۱۳۶۸، ص ۷۵).

در مجموع مطالب کتاب حاضر خواننده را با خود به بازارهای اسلامی در قرن‌های هفتم و هشتم هجری می‌برد و به او نشان می‌دهد که اصناف شرقی تا چه حد مقهور دستگاه‌های غیرصنعی بوده‌اند (اشرف ۱۳۴۸: ۲۵۷). این کتاب همچنین برخی از ویژگی‌های تاریخی زندگی شهری و نظارت دستگاه‌های حکومتی را بر جزئیات امور تا حدی روشن می‌کند و خواننده را با مشاغل سده‌های گذشته آشنا می‌سازد.

## کتابنامه

- ابن اخوه، محمدبن محمدبن احمدبن زید قرشی، معالم القرية فی احکام الحسبة، تحقیق محمد محمود شعبان، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸ق.
- ابن اخوه، محمدبن محمدبن احمدبن زید قرشی، معالم القرية فی احکام الحسبة (آئین شهرداری در قرن هفتم هجری)، ترجمه جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷ش.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمدبن کرم، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی‌تا].
- اشرف، احمد، ۱۳۴۸، «برخی از ویژگی‌های تاریخی زندگی شهری و سازمان‌های صنعی در دوره اسلامی»، راهنمای کتاب، س ۱۲، ش ۵-۶، مرداد - شهریور، ص ۲۵۰-۲۵۷.
- بادکوبه‌هزاوه، احمد، ۱۳۸۰، «اولین نشانه‌های نهاد حسبه در سرزمین‌های اسلامی»، فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، س ۲، ش ۷، ص ۱۲۵-۱۳۶.
- باسورث، کلیفورد ادمنود، ۱۳۸۱، سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

